

تحلیلی بر عوامل درونی نابرابری آموزشی در دانشگاه های استان سیستان و بلوچستان محمد فاروق رگام^۱، اسماعیل شیرعلی^۲، مصطفی ازکیا^۳، عاصمه قاسمی^۴ چکیده:

هدف: امروزه ارزیابی توسعه جوامع در سطح بین المللی بر مبنای میزان برابری و برقراری عدالت در همه جنبه های مختلف زندگی از قبیل جنسیت، آموزش و آموزش عالی، سرمایه گذاری، زندگی اجتماعی و... می باشد. هدف از این پژوهش تحلیلی بر عوامل درونی نابرابری آموزشی در دانشگاه های استان سیستان و بلوچستان می باشد.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و نوع مطالعه از نوع روش داده بنیاد می باشد. جامعه و نمونه آماری این پژوهش را ۱۵ نفر از مدیران دستگاه های اجرایی، اعضای هیئت علمی رشته های مدیریت آموزشی، اقتصاد و جامعه شناسی تشکیل داده اند. روش نمونه گیری، در روش داده بنیاد به صورت نمونه گیری هدفمند بوده است که افراد متخصص بعد از شناسایی برای مصاحبه دعوت شدند. در این تحقیق اطلاعات به دو روش مطالعات اسنادی و مصاحبه و کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) گردآوری شده است. بدین صورت که با بررسی چندباره مصاحبه ها، کدهای تبیینی استخراج شد و با ادغام و تلفیق کدهای مشابه و حذف کدهای تکراری مقوله ها و تم ها استخراج گردید.

یافته ها: مهمترین عوامل درونی اقتصادی توسعه نیافتگی در استان از منظر اعضاء هیأت علمی کشور عبارتند از: آسیب و فساد در حوزه اقتصادی استان، موانع سرمایه گذاری استان، توسعه نامتوازن، چالش های اشتغال و بیکاری فارغ التحصیلان، ضعف شبکه ارتباطی و حمل و نقلی و تبعیض آموزشی است. همچنین مهم ترین عوامل درونی اجتماعی توسعه نیافتگی در سیستان و بلوچستان به ترتیب عدم اعتماد نهاد به سیستم آموزشی، ضعف سرمایه اجتماعی، ضعف سرمایه انسانی، مهاجرت نخبگان، چالش های قومی- مذهبی، فقدان امنیت و ضعف قانون گرایی بوده است.

نتیجه گیری: گسترش فرصت های آموزشی و تحصیلات تکمیلی و همچنین افزایش سطح سواد موجب افزایش سطح آگاهی و همچنین ایجاد فرصت های شغلی و کاهش بیکاری فارغ التحصیلان در استان سیستان و بلوچستان می شود.

کلید واژه ها: توسعه، عوامل درونی، نابرابری آموزشی.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۵/۲۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۲/۶

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه شناسی توسعه اقتصادی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammadfaroghregam@gmail.com
^۲ - دانشیار جامعه شناسی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران (نویسنده مسئول). esmaeil.shirali@gmail.com
^۳ - استاد جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mostafa_azkia@Yahoo.com
^۴ - استادیار جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. asemeh.ghasemi@srbiau.ac.ir

مقدمه

امروزه رشد، توسعه و یا انحطاط و پیشرفت با شاخص‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته و از زاویه دید مشترکی برخوردار نبوده‌اند؛ به عنوان مثال، برخی انحطاط را نقطه مقابل بازگشت به خویشتن و آن را معادل از خود بیگانگی و برخی دیگر، آن را معادل عقب ماندن از قافله رشد و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دنیای جدید به کار برده‌اند. به همان ترتیبی که نمی‌توان از توسعه یافتگی مفهوم دقیقی ارائه داد به دست آوردن تعریف دقیقی از توسعه یافتگی نیز به سادگی امکان پذیر نیست (پاتل^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۸). توسعه یافتگی یک مفهوم نسبی به شمار می‌رود. به طور کلی می‌توان گفت این مفهوم بیانگر میزان پایین درآمد سرانه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته است. گفته می‌شود کشور توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته کشوری است که درآمد سرانه آن در مقایسه با درآمد سرانه کشورهای صنعتی توسعه یافته‌ای در سطح پایین تری قرار دارد. چنانچه از منابع و عوامل طبیعی و اکتسابی خود استفاده کنند سطح درآمد خود را به کشورهای گروه نخست نزدیک نمایند و در راه توسعه قرار می‌گیرند. یکی از مشکلات اصلی کشورهای کمتر توسعه یافته وجود فقر عمومی است که در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها بازتاب خواهد یافت (استرلی^۲، ۲۰۱۷: ۷۵۷).

امروزه ارزیابی توسعه جوامع در سطح بین‌المللی بر مبنای میزان برابری و برقراری عدالت در همه جنبه‌های مختلف زندگی از قبیل جنسیت، آموزش، سرمایه‌گذاری، زندگی اجتماعی، حمل و نقل و... می‌باشد. (روبرتسون^۳، ۲۰۱۵) برابری نیاز جوامع انسانی است تا گروه‌های جمعیتی حاضر در آن بتوانند از تحرک و جابجایی عدالت‌گونه‌ای برخوردار باشند و امکان فعالیت و حرکت به سمت توسعه و استفاده از منابع طبیعی و غیر طبیعی را داشته باشند. (اولوو^۴، ۲۰۱۹). با این حال، هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که بتواند ادعا کند که نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی در آموزش را کاملاً از میان برده باشد. برخی از کشورهای عضو پیزا^۵ موفق به ایجاد سیستم‌های آموزشی شده‌اند که در آن وضعیت اجتماعی و اقتصادی کمتر در یادگیری، رفاه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

¹- Patel

²-Easterly

³- Robertson

⁴-Olowo

⁵-Program for International Student Assessment

دخالت دارد، هر کشوری می تواند برای بهبود برابری در آموزش بیشتر تلاش کند. امروزه با توجه به افزایش شدید نابرابری اقتصادی در سال های اخیر، بهبود حقوق برابر در آموزش، بیش از دهه های پیش از آن ضروری است. نابرابری درآمد در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی امروزه در بالاترین سطح خود از دهه ۱۹۸۰ است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، ۲۰۱۸) و بهبود اقتصادی که از سال ۲۰۱۰ دیده شده است این روند را تغییر نداده است. (همان، ۲۰۱۶) در نتیجه، کشورها به طور فزاینده ای از پیامدهای بالقوه منفی رشد نابرابری اقتصادی در تحرک اجتماعی و آموزشی نگران هستند.

تحلیل پیامدهای آموزشی یا ارزیابی عملیات دانشگاهی نیازمند ایجاد و بررسی داده ها و عوامل مربوط به کیفیت در مؤسسات آموزش عالی است. این داده ها جهت بررسی کیفیت مؤسسات آموزش عالی می بایست به صورت صریح و روشن باشد. فرهنگ و تکنیک ایجاد کیفیت و جلوگیری از موانع آن در آموزش عالی نیازمند تحلیل کاربردی آن است (هارت ول^۲، ۲۰۲۰).

آگاهی نسبت به عقب ماندگی در ایران پیشینه ای دیرینه دارد. شاید بتوان تأمل و تفکر عباس میرزا پس از شکست در جنگ با روسها و عقد عهدنامه های گلستان و ترکمنچای، درباره علل شکست در این جنگ و پیشرفت و توسعه یافتگی آنها و ضعف و ناتوانی ما را از نخستین و ابتدایی ترین بارقه های آگاهی ایرانی در زمینه عقب ماندگی خود دانست. در سال های متمادی، از آن زمان تاکنون، مصلحانی چند ظهور کرده و در پی حل مشکل عقب ماندگی ایران تلاش ها نموده اند، اما تمام این تلاش ها نیز ناکام ماند و فاصله کشور بزرگ و پهناور ایران، با دنیای پیشرفته و توسعه یافته مغرب زمین هر روز بیشتر و بیشتر شد (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۹). در خصوص توسعه نیافتگی ایران دو نوع نگاه را می توان از یکدیگر متمایز نمود؛ برخی برای عقب ماندگی کشور به عوامل درونی و برخی دیگر به عوامل بیرونی تأکید دارند.

یکی از این مناطق چالشی در کشور استان سیستان و بلوچستان می باشد. استان سیستان و بلوچستان با جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر، ۳/۵ درصد جمعیت کشور را شامل می شود. از این تعداد ۴۹/۱ درصد در نقاط شهری و ۵۰/۹ درصد در نقاط روستایی و غیر ساکن هستند. و به رغم ظرفیت های سرزمینی، طبیعی و فرهنگی فراوان، از محروم ترین استان های کشور به شمار می رود. ناامنی در

^۱-Organization for Economic Cooperation and Development

^۲ -Hartwell

مرزهای طولانی این استان با افغانستان و پاکستان، نرخ بالای زاد ولد (علیرغم عدم وجود چشم‌انداز در آمدی مناسب)، شکاف‌های قبیله‌ای، قومیتی و مذهبی، خشک سالی و مدیریت نامناسب آب، عدم انباشت سرمایه و قاچاق از جمله مهم‌ترین عوامل محرومیت و بیکاری در استان هستند که در قالب شاخصه‌ای ضعیف توسعه استانی و مهاجرت گسترده از استان نمایان می‌گردد. البته همانگونه که پیشتر نیز بیان گردید مشکل اصلی عدم توسعه نیافتگی سیستان و بلوچستان عدم توجه مدیریتی در سطح کلان به این استان و عدم برنامه ریزی صحیح نسبت به این استان در سطح کلان کشوری می‌باشد. برخی نیز معتقدند که استان سیستان و بلوچستان میتواند در توسعه‌ی ایران ضربه بالایی را به خود اختصاص دهد ولی این استان با سایر نواحی ایران پیوند گسترده‌ای نداشته و در انزوای جغرافیایی محصور مانده است. تفاوت‌های مذهبی و زبانی این منطقه با بدنه اصلی کشور همراه با اقتصاد بسته و کم تحول یافته‌ی آن، این استان را در حصار اجتماعی و اقتصادی خود باقی گذاشته و در نتیجه علایق مادی و معنوی آن را با سایر نواحی کشور محدود ساخته است.

به نظر می‌رسد عدم توجه به توان ژئوپولوتیک استان در ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی یکی از دلایل مهم عدم توسعه نیافتگی سیستان و بلوچستان همین دو عامل و نگرش سیاستمداران در سطح کلان از بعد امنیتی باشد. در این که علل از دست رفتن این فرصت‌ها ناشی از مسائل این بخش کشور که عمدتاً مسائل سیاسی امنیتی هستند شکی نیست. با توجه به ماهیت دو مقوله توسعه و امنیت که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، امنیت به عنوان مرحله مقدماتی روند توسعه محسوب می‌گردد. رابطه امنیت نیز با خیلی از شاخصه‌های توسعه مانند فقر، عدالت سرزمینی، بیکاری و اشتغال و ... به اثبات رسیده است، چنانکه نابرابری‌های فضایی، اقتصادی و رفاهی، بویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی، شهری و روستایی می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق و نارضایتی ناحیه‌ای را تغذیه کند و چنانکه محرومیت حاشیه‌ها و عدم برخورداری آنها از امکانات با عدم رسیدگی به مشکلات آنها همراه گردد می‌تواند زمینه‌ساز ناامنی و بروز بحران گردد (کیانی و طاهری، ۱۴۰۱).

در اوایل سالهای گسترش آموزش عالی، نابرابری‌های کمی بزرگترین دغدغه کشورها بوده است اما اکنون نابرابری‌های کیفی در بخش‌های اداری، سازمانی، آموزشی و پژوهشی به عنوان معضل مقایسه و تفاوت بین دانشگاه‌ها مطرح است (بصری و آلتینی^۱، ۲۰۱۸). صرف دارا بودن کیفیت برخی

^۱- Basari & Altinay

دانشگاه‌ها، کیفیت نیروهای کاری آینده تضمین نمی‌شود زیرا سازمان‌ها به فراخور شرایط مکانی و زمانی خود از همه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها برای جذب نیرو استفاده می‌کنند و نیروی کاری به تناسب عدم کیفیت‌های دانشگاهی، متفاوت خواهد بود (هاروی، ویلیامز و دیل^۱، ۲۰۱۲).

از طرفی موقعیت و شرایط پذیرش دانشجو در بسیاری از مؤسسات خوب آموزشی، به خصوص در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی طوری است که افراد شهرهای کوچک و روستاها به علت دوری مسافت، پایین بودن نسبی سطح آموزش دبیرستانی و موفق نشدن به احراز شرایط پذیرش یا فقر و نداشتن بضاعت مالی، نمی‌توانند به این مؤسسات راه یابند. کسانی که دسترسی به آموزش و پرورش صحیح پیدا نمی‌کنند و استعدادها و توانایی‌هایشان آن‌طور که شاید و باید پرورش نمی‌یابد، نمی‌توانند در میدان زندگی با افرادی که از آموزش و پرورش بهره بیشتری برده‌اند، برابری کنند و در مقایسه با آنها "فرصت" مساوی برای تحرک اجتماعی ندارند. آموزش و پرورش باید فرصت یکسان استعدادها، اندوختن دانش‌های لازم برای زندگی و نیز یافتن ارزش‌ها و بینش‌های انسانی را میسر سازد. (فیوضات، ۱۳۹۶).

برابری در آموزش عالی تأکید می‌کند که دانشجویان با پس‌زمینه‌های مختلف به طور مساوی دارای مدارک تحصیلی عالی‌تر باشند که باعث موفقیت آن‌ها در بازار کار و رسیدن به اهداف خود به عنوان اعضای بزرگسال جامعه می‌شود. (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۸).

زمانی (۱۴۰۰) در پژوهشی به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر توسعه نیافتگی بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زود بازده با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش یک تیم نه نفره از خبرگان این حوزه (بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زود بازده) که در سازمانهای ذیربط نظیر شرکت شهرکهای صنعتی استان سمنان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سمنان، استانداری سمنان و شرکت‌های تولیدی فعال در سطح استان مشغول به کار هستند، می‌باشد. بنابراین تعداد نه فقره پرسشنامه در جامعه آماری توزیع میشود تا ضریب اولویت عوامل اثرگذار بر توسعه نیافتگی بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زود بازده تعیین گردد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه مقایسه زوجی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اکسپرت چویس استفاده شد. برای محاسبه نرخ ناسازگاری از نرم‌افزار choice

¹ -Harvey, Williams & Dill

expert استفاده و میزان آن کمتر از ۱٫۱ تعیین گردید. خروجی نرم افزار اکسپرت چویس حاکی از آن است در بین معیارهای ضعف مدیریت، مشکلات تامین مالی، بازاریابی و توزیع و حوزه فناوری، معیارضعف مدیریت مهمترین معیار برای توسعه نیافتگی بنگاه های اقتصادی زود بازده از دید خبرگان معرفی گردید.. به طور کلی و از بین عوامل ۱۵، عامل فقدان دانش مدیریت مهمترین معیار انتخاب از نظر خبرگان را به خود اختصاص داد. در پژوهشی دیگر میرفردی و همکاران (۱۳۹۸)، تحقیقی به عنوان تحلیل جامعه‌شناختی موانع توسعه اجتماعی در ایران از دیدگاه اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی انجام داده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش انجام شده است و تعداد ۱۳۱ نفر از اعضاء هیأت علمی به عنوان نمونه با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و دیدگاه آن‌ها درباره موانع توسعه اجتماعی در ایران مورد پرسش قرار گرفت. در گام اول با مصاحبه باز با تعدادی از اعضاء هیأت علمی و بهره‌گیری از ادبیات پژوهش، مؤلفه‌های مورد بررسی شناسایی و سپس در گام دوم با ابزار پرسشنامه محقق ساخته، داده‌ها گردآوری شدند. روایی صوری و ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای ارزیابی اعتبار و پایایی ابزار سنجش به کار گرفته شدند. نتایج مطالعه نشان داد که از دیدگاه کارشناسان دانشگاهی موانع اقتصادی، سیاسی فرهنگی و اجتماعی به ترتیب به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه اجتماعی در ایران ارزیابی شدند. به صورت مصداقی شبکه فساد، اقتصاد دولتی و نبود شایسته‌سالاری به ترتیب به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه اجتماعی در کشور بوده‌اند. نتیجه این که موانع اقتصادی و سیاسی به عنوان مهم‌ترین بازدارنده‌های توسعه اجتماعی معرفی شده‌اند. همچنین تحلیل پویای نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه عنوان تحقیقی است که توسط بهشتی و نصرالهی (۱۳۹۵) انجام گرفته است. این مطالعه بر این موضوع تأکید دارد که وجود سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر توسعه آن جامعه داشته باشد. در این مطالعه تلاش شده است تا با ارائه مدلی دینامیکی، کاربرد تفکر سیستمی و مدل سازی سیستم‌های پویا، به تجزیه و تحلیل پویایی‌های سرمایه اجتماعی پرداخته شود. در این مقاله از یک مدل دینامیکی بهره گرفته شده است. تحلیل سیستم‌های پویا یکی از تکنیک‌هایی است که امکان مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده و غیرخطی را فراهم می‌آورد. به علاوه، به منظور درک بهتر روابط مدل، از روش سناریوپردازی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی از طریق مکانیزمی پیچیده و پویا می‌تواند توسعه را در یک جامعه رقم بزند.

ایکسائو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به ارزیابی و عوامل کلیدی زندگی شهری در مناطق توسعه نیافته: مطالعه موردی فلات لس، چین پرداختند. زیست پذیری شهری یک شاخص مهم برای سنجش توسعه پایدار اجتماعی-اقتصادی شهری است. بر اساس ساختار شکنی اهداف توسعه پایدار شهری (SDGs)، یک سیستم شاخص ارزیابی علمی جدید و جامع برای ارزیابی زیست پذیری شهری مناطق توسعه نیافته ساخته شد، از مدل TOPSIS وزن آنتروپی و مدل توبیت برای بررسی زیست پذیری شهری و عوامل کلیدی استفاده شد. در مناطق توسعه نیافته سیستم شاخص ارزیابی در این مطالعه به هفت جنبه، شامل توسعه اقتصادی، ساخت و ساز شهری، خدمات عمومی، پیشرفت اجتماعی، استاندارد زندگی، محیط زیست محیطی و استفاده از منابع تقسیم شد. برای بررسی عوامل کلیدی زیست پذیری شهری و کاربرد سیستم شاخص در مناطق توسعه نیافته، فلات لس برای این تحقیق انتخاب شد. نتایج تجربی نشان می دهد که شش عامل کلیدی مهم مؤثر بر زندگی شهری در فلات لس وجود دارد. در این میان نرخ شهرنشینی، نرخ رشد طبیعی جمعیت و تراکم جمعیت نقش منفی در زیست پذیری شهری دارند. از سوی دیگر، سرانه درآمد مالی محلی، سرانه منطقه سبز و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نقش مثبتی در زندگی شهری دارند. سیستم شاخص می تواند زیست پذیری شهری مناطق توسعه نیافته را به صورت علمی ارزیابی کند، می تواند برای ساخت و ساز شهر قابل زندگی برای سایر مناطق توسعه نیافته یا کشورهای در حال توسعه استفاده شود. همچنین آنچورنا و آنجوس^۲ (۲۰۱۸) در تحقیق با عنوان «روابط اجتماعی و توسعه اقتصادی» به بررسی تأثیر گره های اجتماعی (شاخصی برای سنجش سرمایه اجتماعی) روی توسعه اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. این محققان نشان دادند که: (۱) ناهمسانی در تعداد گره های اجتماعی می تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه کشورها شود، (۲) سرمایه اجتماعی می تواند کارایی سرمایه انسانی و با بهره وری نیروی کار را افزایش دهد، (۳) افزایش در بهره وری حتی می تواند سبب کاهش در رفاه شود و این زمانی اتفاق می افتد که گره های اجتماعی هماهنگ. با هم شکل نگیرند. در تحقیقی دیگر آدا^۳ (۲۰۱۷)، با عنوان «تأثیر واگرا سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در شرق آسیا و آمریکای لاتین» به بررسی اثر تقسیمات قومی-زبانی بر رشد اقتصادی آمریکای لاتین و آسیای شرقی به منظور مقایسه مسیرهای متفاوت

¹- Xiao

²-Anchorena & Anjos

³-Adda

رشد در آنها می‌پردازد. برای این منظور از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده می‌کند. نتایج این تخمین نشان می‌دهد شاخص سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی دارد در حالی که در آمریکای لاتین این اثر دیده نمی‌شود. آدا علت این تفاوت را در متغیری که به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی (مشارکت و انسجام) انتخاب شده است بیان می‌کند. لذا، به برآورد شاخص سرمایه اجتماعی با روش میمیک می‌پردازد. برای این منظور، از متغیرهای تقسیمات قومی، ضریب جینی و شدت بحران در حکمران به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد مشارکت و انسجام و از متغیرهای رفتار مالیاتی و تضادهای اجتماعی و میزان انجمن‌های جمعی به عنوان اثرات انسجام استفاده می‌نماید. اما این بار نیز شاخص سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی نشان می‌دهد. در حالی که در آمریکای لاتین این اثر دیده نمی‌شود. تحقیقی در کشور استرالیا در سال ۲۰۱۷ در مورد برابری بازده‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در بازار کار با پیشینه‌های مختلف انجام شد که فارغ‌التحصیلان چهار دانشگاه را بر اساس ثبت سوابق دانشجویان مورد بررسی قرار داده‌اند. بررسی نابرابری‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به عنوان یک کار مهم و قابل ارزیابی در سیاستهای آموزشی این کشور به منظور کاهش نابرابری‌های مناطق محروم مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در مناطق مختلف استرالیا به لحاظ جذب بازار کار و مهارت‌های خروجی‌های دانشگاه‌ها تفاوت وجود دارد. همچنین طبق نتایج انگیزه بیشتری در بازار کار در قبال افزایش برابری کیفیت سرمایه‌های انسانی ایجاد می‌شود. در این خصوص حمایت بیشتر از سیاست‌های تشویقی به منظور دسترسی و تکمیل آموزش عالی مناطق مورد نیاز است. تشکیل گروه‌های عدالت محور در دانشگاه‌ها و حتی بعد دانش‌آموختگی دانشجویان در مناطق بومی استرالیا کم‌کم منجر به افزایش سطح برابری در مناطق با جمعیت زیادتر خواهد شد. برخی گروه‌های عدالت‌محور تلاش جهت کاهش شرایط نامساعد و نابرابر بازار کار بعد از دانش‌آموختگی را بر عهده دارند. در حالیکه برخی، سیاست‌هایی جهت عمل همراه با اندازه‌گیری به منظور تشخیص موانع قبل و بعد از دریافت مدرک را دنبال می‌کنند. (لی، ماهوتی، دوکری و جونانکار^۱، ۲۰۱۷).

¹ -Li, Mahut au, Dockery & Junankar

گسترش تعلیم و تربیت و آموزش عمومی و فراهم آوردن امکانات و فرصت‌های برابر آموزشی برای کلیه افراد جامعه در سطوح مختلف آموزشی یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین وظایف سده اخیر دولت‌ها بوده است. در تعمیم و تحقق این سیاست جهانی، جامعه آموزش ایران، در دو دهه اخیر سیاست گسترش کمی جامعه دانش‌آموزی و دانشجویی را اجرا کرده است. این در حالی است که کمبود نیروی انسانی ماهر و نامتوازن بودن آن با توجه به پراکندگی جغرافیایی کشور و نابرابری در دسترسی به نیروی انسانی کافی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و نابرابری‌هایی است که نظام آموزش ایران با آن روبرو بوده است. از جمله نابرابری‌های کمی دیگر، نابرابری در برخورداری از منابع، امکانات، تجهیزات و فرصت‌های متنوع بین مناطق مختلف جغرافیایی، نابرابری جنسیتی، فقدان تخصیص و تسهیم منابع و اعتبارات بسیار محدود و آموزشی متناسب یا پراکندگی و فقر جغرافیایی و منطقه‌ای، نابرابری در تخصیص سرانه فضاها و فیزیکی و محیط‌های آموزشی می‌باشد. مطالعه عوامل درونی نابرابری های آموزشی استان سیستان و بلوچستان می تواند برنامه‌ریزان کشور را با تحلیل عمیق و علمی علل و موانع موجود بر سر راه توسعه آشنا سازد تا آنها با طراحی برنامه های مدون توسعه در سطح کلان راه را به سوی توسعه پایدار در منطقه همراه سازند. بنابراین تحقیق حاضر با هدف تحلیل عوامل درونی نابرابری آموزشی در دانشگاه های استان سیستان و بلوچستان انجام شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و با استفاده از «روش داده‌بنیاد» انتخاب شده است. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مصاحبه¹ و تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و تمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان می باشد. از این رو برای تحلیل جامعه شناختی عوامل درونی اقتصادی و اجتماعی توسعه نیافتگی استان سیستان و بلوچستان از روش مصاحبه با صاحب‌نظران استفاده شد.

جامعه و نمونه آماری پژوهش حاضر با توجه به استراتژی انتخاب شده برای انجام پژوهش، روش داده‌بنیاد ذیل رویکرد تحقیق کیفی است. مطابق با مراحل استراتژی پژوهش، جهت گردآوری

اطلاعات با صاحب‌نظران مدیریت آموزشی، علوم اجتماعی و علوم اقتصادی مصاحبه شده (داده‌های دست اول) لذا جامعه آماری پژوهش صاحب‌نظران حوزه توسعه می باشد.

جدول ۱. پراکنش کلی مصاحبه شونده‌گان تحقیق

معیار خبرگی	قلمرو کاری	تعداد
سابقه اجرایی	مدیران دولتی و خصوصی	۴
دانش توسعه اقتصادی	اعضای هیئت علمی رشته‌های مرتبط با اقتصاد و توسعه اقتصادی	۵
دانش توسعه اجتماعی	اعضای هیئت علمی رشته‌های مرتبط با مدیریت آموزشی، جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی و جامعه‌شناسی سیاسی	۶
	مجموع	۱۵

در مورد روش نمونه‌گیری، روش داده‌بنیاد دارای تدبیر خاص خود می‌باشد. این روش در نمونه‌برداری هدفمند افراد برای مصاحبه که به آن «نمونه‌برداری نظری» می‌گویند از نگرشی منحصر به فرد حمایت می‌کند که آن را از دیگر رهیافت‌های کمی و کیفی به جمع‌آوری داده‌ها متمایز می‌سازد. از سویی بر خلاف نمونه‌برداری صورت گرفته در بررسی‌های کمی که معمولاً تصادفی است، نمونه‌برداری نظری کاملاً ارادی و هدف‌مند است. ثانیاً این شیوه نمونه‌برداری نمی‌تواند قبل از شروع پژوهش برنامه‌ریزی شود، بلکه تصمیمات خاص نمونه‌برداری در خلال فرآیند پژوهش شکل می‌گیرند. علت اصلی بروز این تمایز در روش نمونه‌برداری نیز آن است که روش داده‌بنیاد از شیوه‌ای استفاده می‌کنند که مستلزم جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان و زنجیره‌وار داده‌ها است. بنابراین می‌توان گفت نمونه تحقیق در روش داده‌بنیاد، تحت تأثیر هر یک از موارد (مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته تخصصی و یا متون مراجعه شده) جهت می‌یابد به این صورت که تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، رهنمون مصاحبه بعدی خواهد بود. مطابق با مراحل روش تحقیق، روش داده‌بنیاد فرآیند نمونه‌برداری نظری تا مرز تحقق کفایت نظری ادامه یافته است. خبرگی مصاحبه شونده‌گان در تحقیق حاضر از یکی از دو معیار زیر تبعیت کرده است:

۱) برخوردار بودن از سابقه اجرایی در حوزه‌های توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی؛

۲) برخورداری از دانش علمی و تخصصی در حوزه های توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی. مطابق با مراحل روش تحقیق روش داده بنیاد فرآیند مصاحبه ها تا مرز تحقق کفایت نظری ادامه یافته است. بدین منظور در مجموع ۱۵ مصاحبه نیمه ساختاریافته تخصصی با در نظر گرفتن معیارهای فوق صورت گرفته است. مصاحبه ها ضبط شد و با مرور چندباره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق تری نسبت به دیدگاه های طرح شده مشارکت کنندگان انجام شد. رکن اساسی در فرآیند تجزیه و تحلیل در روش داده بنیاد «کدگذاری» است. کدگذاری در نظریه پردازی داده بنیاد شکلی از تحلیل محتواست که در پی یافتن و مفهوم سازی موضوعات قابل بحثی است که در میان انبوه داده ها وجود دارند (دانایی فرد، ۱۳۹۴: ۶۰). در این پژوهش از دو نوع کدگذاری باز و محوری استفاده شده است.

یافته ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل نتایج مطالعات انجام شده می پردازیم. از آنجا که روش انتخابی به منظور تأمین اهداف تحقیق اقدام به انجام مصاحبه با مدیران دستگاه های اجرایی، اعضای هیئت علمی رشته های اقتصاد و جامعه شناسی موضوع گردید. مطابق با مراحل و اصول روش مذکور فرآیند گردآوری و تجزیه و تحلیل داده های هر کدام از مصاحبه ها به صورت همزمان صورت گرفته و پس از اتمام تجزیه و تحلیل مصاحبه مورد نظر، مصاحبه بعدی آغاز شد. لذا در این بخش تجزیه و تحلیل یافته های هر کدام از مصاحبه ها به صورت مجزا ارائه شده و پس از اتمام مرحله تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، داده های مربوط به مصاحبه بعدی آمده است. این فرآیند تا تحقق «کفایت نظری» مورد نظر در روش داده بنیاد ادامه یافته و حد توقف مصاحبه ها با این معیار مشخص شده است. مشارکت کنندگان در این پژوهش ۱۵ نفر از مدیران دستگاه های اجرایی، اعضای هیئت علمی رشته های اقتصاد و جامعه شناسی بودند که با بررسی مصاحبه ها به تجزیه و تحلیل یافته ها پرداخته شده است. با بررسی چندباره مصاحبه ها، کدهای تبیینی استخراج شد و که با ادغام و تلفیق کدهای مشابه و حذف کدهای تکراری مقوله ها و تم ها استخراج گردید.

جدول ۲. مشخصات مصاحبه شوندگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	حیطه فعالیت
۱	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته اقتصاد
۲	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته اقتصاد

۳	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته اقتصاد
۴	زن	دکتری	عضو هیئت علمی رشته اقتصاد
۵	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته اقتصاد
۶	زن	دکتری	عضو هیئت علمی رشته مدیریت آموزشی
۷	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته مدیریت آموزشی
۸	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته مدیریت آموزشی
۹	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته جامعه‌شناسی
۱۰	زن	دکتری	عضو هیئت علمی رشته جامعه‌شناسی
۱۱	مرد	دکتری	عضو هیئت علمی رشته جامعه‌شناسی
۱۲	مرد	دکتری	مدیر دولتی
۱۳	مرد	فوق لیسانس	مدیر دولتی
۱۴	مرد	فوق لیسانس	مدیر خصوصی
۱۵	مرد	دکتری	مدیر خصوصی

در این مرحله یافته‌های پژوهش را بر اساس مدل استقرایی (جزء به کل) به طور کامل تشریح می‌شوند. ابتدا در جداول کد گذاری باز و کد گذاری محوری انجام می‌گیرد و در نهایت کد گذاری انتخابی به صورت ترسیم مدل تشریح می‌شود.

کد گذاری باز و کد گذاری محوری: در کد گذاری باز، محقق رویدادها و وقایع را برچسب زده و از طریق مقایسه مداوم گروه‌هایی ایجاد می‌شود که منجر به تشکیل طبقات و اجزاء مربوط به آن‌ها می‌گردد. در این مرحله از فرآیند کد گذاری، با انجام تحلیل محتوا و مطالعه خط به خط اطلاعات جمع‌آوری شده، اقدام به درست کردن مفاهیم گردید. ابتدا تمام داده‌های حاصل از مصاحبه با شرکت‌کنندگان در جامعه مورد بررسی، به طور مجزا بررسی شد و پاسخ‌های آنان به سؤالات نیمه ساختارمند در طی مصاحبه‌های فردی، همچنین سایر مطالبی که در حین صحبت‌های آنان مطرح می‌شد، کلمه به کلمه در متن مرور شد. و مباحث کلیدی که مطرح شده بود به صورت قطعات جداگانه بیرون کشیده شد. به این ترتیب، از جامعه نمونه یعنی مدیران و اعضای هیئت علمی، جمعاً ۳۴ مقوله شناسایی و از داده‌های حاصل استخراج شد.

در کدگذاری محوری، طبقه‌بندی‌ها به طور نظام‌یافته گسترش می‌یابند و به طبقات خردتر مرتبط می‌شوند؛ اما هنوز هنگام آن نرسیده که طبقه‌بندی‌ها برای یک طرح نظری کلی یگانه شوند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). این مرحله منجر به ایجاد مقولات از خرده مقولات حاصل از کدگذاری باز می‌شود. مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آن‌ها از طریق همان فرآیند تحلیلی انجام مقایسه برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند. مقوله‌ها شالوده‌های ساختن نظریه هستند. آن‌ها ابزاری فراهم می‌کنند که به وسیله آن نظریه می‌تواند یکپارچه شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در پژوهش حاضر در این مرحله، ابتدا کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بود با موارد مشابه ادغام و ارتباط بین خرده طبقه‌ها مشخص شد و در نهایت طبقاتی با مفاهیم جدید تشکیل داده شد. مقایسه‌ی مداوم از الزامات کدگذاری محوری است، به این ترتیب در تشکیل مفاهیم جدید همواره فرآیند مقایسه مداوم داده‌ها مد نظر قرار داده شد. مفاهیم حاصل از بررسی‌های جامعه نمونه که در فرآیند کدگذاری باز، عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی در ۷۵ مفهوم، عوامل توسعه نیافتگی اقتصادی در ۴۹ مفهوم گروه‌بندی شده بودند، در این مرحله به طور مجدد بررسی و سرانجام بر اساس اشتراکاتی که بین خرده مقولات به دست آمده وجود داشت، برخی از خرده مقولات که به یک جنبه مشترک اشاره داشتند، در طبقه‌بندی جدیدی تحت عنوان مقولات قرار داده شدند.

به این ترتیب در طی مرحله کدگذاری محوری با مشخص کردن روابط بین خرده مقوله‌ها، محور-های اصلی تشکیل دهنده مدل ارائه و ۴ مقوله اساسی که تشکیل دهنده مدل محسوب می‌شدند، تحقق یافت. این مقوله اساسی عبارت‌اند: ضعف سرمایه اجتماعی، ضعف سرمایه انسانی، چالش‌های قومی-مذهبی و موانع توسعه اقتصادی می‌باشند.

کدگذاری باز و کدگذاری محوری عوامل اقتصادی توسعه نیافتگی: استان سیستان و بلوچستان با وجود اینکه دارای قابلیت‌ها و پتانسیل‌های بسیار خوبی در زمینه‌های ذخایر معدنی است، اما علیرغم این پتانسیل‌ها و امکانات هنوز دارای تنگناهای اساسی برای توسعه می‌باشد و در مقایسه با سایر مناطق کشور، سهم چندانی از مواهب توسعه ملی نبرده است. عدم اختصاص بودجه و اعتبارات کافی برای این منطقه یکی دیگر از عوامل مهم اقتصادی است که بدان اشاره جدی داشته‌اند. سیستان و بلوچستان استانی است که به دلایل مختلف و درگیر شدن مستقیم به واسطه مرزی بودن و شرایط امنیتی و

قاچاق مواد مخدر و تروریست، نتوانسته از ظرفیت‌های انسانی خود استفاده کند و زمینه جدی برای اشتغال در آن فراهم نشده است. در سال‌های اخیر نیز تعداد جوانان تحصیلکرده جویای کار به بازار کار افزوده شده و متأسفانه پیش‌بینی‌ها و زمینه‌های لازم برای این قشر جوان صورت نگرفته است.

جدول ۳. نگاه کلی به تم‌های عوامل اقتصادی توسعه نیافتگی

تم	مقولات	مفهوم‌سازی واحد معنای (کد باز)	کدها	
موانع اقتصادی توسعه	آسیب و فساد در حوزه اقتصادی استان	وجود شبکه‌های فساد در نظام تولید و توزیع کالا	۱	
		در سطح استان	۲	
		پایین بودن امنیت سرمایه‌گذاری در استان	۳	
		نبود شفافیت اقتصادی در استان	۴	
	موانع سرمایه‌گذاری استان	موانع سرمایه‌گذاری استان	رابطه‌مداری در تعاملات اقتصادی دولتی و عمومی	۱
			کمبود سرمایه‌گذاری و تسهیلات	۲
			شکاف فاجعه‌آمیز بین بودجه و هزینه‌ها	۳
			رشد بی‌تناسب بخش خدمات	۴
			شغل‌های کاذب و غیررسمی	۵
			پایین بودن انگیزه سرمایه‌گذاری در منطقه	۶
			سرمایه‌گذاری‌های ناکافی بخش خصوصی به	۷
			سبب حمایت ناکافی بخش دولتی	۸
			کافی نبودن اعتبارات عمرانی دولتی	۹
			اندک پرداخت اعتبارات به وسیله مسئولان استانی	۱۰
عدم تمایل مردم به سرمایه‌گذاری در منطقه	۱۱			
عدم سرمایه‌گذاری کلان بخش دولتی و خصوصی	۱۲			
بویژه در بخش‌های دارای توان مانند گردشگری و	۱۳			
منابع آب و منابع طبیعی	۱۴			
کمبود سرمایه و سرمایه‌گذاری و نبود عوامل کارفرمایی				
عدم کارآفرینی و فقدان تأسیسات زیربنایی				
مشکل تامین مواد اولیه بدلیل دوری از مرکز کشور				

		احساس ناامنی سرمایه گذاران به دلیل شرایط	۱۵
		امنیتی، قاچاق و قاچاق مواد مخدر و وجود اشرار	۱۶
		شرایط نامساعد آب و هوایی	۱۷
		توسعه زیرساختها از دید محلی به جای منطقه ای و	۱۸
		بین المللی	
		کمبود زیرساختهای محیطی - کالبدی	۱۹
		پوروکراسی اداری و قوانین دست و پاگیر برای	۲۰
		سرمایه گذاران	
		فقدان ظرفیتهای نرم افزاری لازم در ضوابط بانک و	۲۱
		بیمه محدودیت نیروی کار زیده و متخصص	
		عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت ها و برنامه	۱
		های توسعه	
		عدم توجه مرکز استان در بحث توسعه	۲
		نبود برنامه های متناسب با ظرفیت و پتانسیل	۳
		عدم الگو برداری و الهام از برنامه های موفق سایر	۴
		ملت ها	
		سنتی بودن شیوه تولید محصولات کشاورزی و	۵
		نبود سیستم های مکانیزه و عدم مدیریت در این	
		بخش	
		عدم حمایت از تولید بومی	۶
		نبود تفکر توسعه در بین ساکنان استان	۷
		عدم تداوم و لزوم مستمر بودن فعالیت ها و برنامه-	۸
		های توسعه	
		عدم برنامه ریزی های هماهنگ، منسجم و دقیق	۹
		توزیع نابرابر امکانات اقتصادی در سطح استان	۱۰
		توزیع نابرابر امکانات اقتصادی در منطقه بلوچ نشین	۱۱
		نسبت به سایر مناطق کشور	
موانع اقتصادی	توسعه نامتوازن		
توسعه			

	کاهش عمران و تشدید محرومیت بدلیل ضعف نظام تصمیم‌گیری	۱۲
چالش‌های اشتغال و بیکاری	بیکاری و پدید آمدن شغل‌های کاذب و غیررسمی	۱
	محدود بودن فرصت‌های شغلی در منطقه	۲
	مهاجرت نیروی فعال	۳
	پایین بودن سطح مهارت‌های شغلی نیروی فعال و آگاهی پایین	۴
	فقر اقتصادی مردم در راه اندازی کسب و کار و خوداشتغالی	۵
	ظهور انواع آسیب‌های اجتماعی	۶
ضعف شبکه ارتباطی و حمل و نقلی	ضعف شبکه‌های ارتباطی سریع بین منطقه‌ای (عدم وجود آزادراه و بزرگراه در استان)	۱
	ضعف شدید زیرساخت‌های لازم در مراکز شهری و ناکارآمدی سطوح خدماتی در استان	۲
	عدم وجود زیرساخت‌های بازرگانی و مبادلات اقتصادی	۳
	عدم وجود حمل و نقل ریلی و محدود بودن شبکه حمل و نقل هوایی در استان	۴
تبعیض اقتصادی	نابرابری در توزیع ثروت، امکانات، درآمدها و خدمات رفاهی	۱
	نبود کارخانجات صنعتی و معدنی و ضعف شدید زیرساخت‌ها در این زمینه‌ها	۲

کدگذاری باز و کدگذاری محوری عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی: در این قسمت از یافته‌های پژوهش، عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی در مفاهیم و مقولات به صورت کدگذاری باز و کدگذاری محوری انجام گرفته است.

دیدگاه‌های که در مباحث توسعه مطرح است و در توسعه و نیز توسعه نیافتگی نیز می‌تواند دخیل باشد. یکی از این دیدگاه‌ها این است که توسعه نیافتگی نتیجه عوامل داخلی و خارجی می‌باشد

(لهسایی زاده، ۱۳۹۱: ۵۵). که این دیدگاه نزدیکترین دیدگاه برای مطالعه حاضر می باشد. به دلیل اینکه این دیدگاه علاوه بر بررسی سایر شاخص ها، سؤال اساسی این مقاله را که آیا عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی تاثیر دارد را هم می تواند مورد بررسی قرار دهد به طوری که صاحب نظران توسعه معتقد هستند سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از متغیرهای اصلی عوامل اجتماعی توسعه نقش مهمی در توسعه دارد که متأسفانه در جامعه ایران در سطح کلان بسترسازی لازم برای تحقق مشارکت سازمان یافته مؤثر که مستلزم توانمندسازی مردم، نجات آنها از وابستگی به دولت، تقویت خودتکایی در آنها و مشارکت دادن آنها در سطوح مختلف مشارکتی و تغییر لازم در ویژگی های شخصیتیشان، تقویت روابط بین فردی، تمرکززدایی و است صورت نگرفته است (غفاری، ۱۳۹۶: ۲۸۲).

سیستم های اجتماعی که تقسیم کار، مسؤولیت ها و توزیع امکانات در آنها بر اساس بینش های غلط صورت می گیرد، دارای روابط اجتماعی نابرابر و ناعادلانه بوده و دگرگونی و توسعه در جهت منافع و خواسته های افراد به صورت یکسان نخواهد بود. همچنین هنگامی که تقسیم کار اجتماعی به صورت ناعادلانه در جامعه وجود داشته باشد، تناقضات و نابسامانی های اجتماعی را به وجود می آورد. از آن جمله، مهاجرت های بی رویه به شهرها است. این پدیده، پیامدهای ناگوار بسیاری در پی دارد؛ از قبیل فشار بر منابع اقتصادی در شهرها، نابسامانی خانوارهای مهاجر، خالی از سکنه شدن روستاها، افزایش ناهنجاری های اجتماعی در شهرها و ...

مطالعات گسترده های در خصوص ابعاد فاجعه آمیز و اجتماعی بیکاری صورت گرفته که نشان می دهد بیکاری های طولانی مدت، روحیه بی ارادگی در افراد را تشدید می کند و باعث شکل گیری بحران هویت در افراد بیکار می شود. مهاجرت های روستا به شهر هم خود مشکلات دیگری را به همراه دارد از جمله اینکه کالبد فضایی، فیزیکی و انسانی شهر را به کلی دگرگون ساخته و زندگی را بر ساکنان شهری تلخ و ناگوار گردانیده است. پدیده سکونتگاه های غیررسمی نمونه بارزی است که می شود از آن یاد کرد که یکی از مهم ترین مشکلات استان سیستان و بلوچستان است.

جدول ۴. نگاه کلی به تم های عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی

کدها	مفهوم سازی واحد معنای (کد باز)	مقولات	تم
۱	عدم تسلط مسئولین به مشاغلشان		
۲	پارتی بازی مامورین دولتی		

	عدم اعتماد نهادی	۳	عدم توجه مامورین دولتی به حرف‌های ارباب رجوع
		۴	توجه مامورین دولتی به اطرافیان خود
		۵	عدم تامین نیاز مردم منطقه و برنامه های اجرا نشده
			توسط دولت
		۶	ضعف اعتماد عمومی در بین شهروندان
		ضعف سرمایه اجتماعی	ضعف مشارکت اجتماعی
۲	عدم مسئولیت‌پذیری مدیران محلی		
۳	عدم همکاری مردم با ادارت برای سازندگی		
۴	نبود روحیه کار جمعی بین مردم استان		
۵	عدم همکاری مردم با نهادهای محلی و دولتی		
۶	پایین بودن مشارکت مردم در برنامه ریزی		
	ضعف انسجام اجتماعی	۱	پیوند ضعیف میان مردم و نهادهای دولتی
		۲	عدم اتحاد مردم و مسئولین استانی در زمینه توسعه
		۳	فقدان حس تعلق مشترک
		۴	پایین بودن همبستگی
		۵	تضعیف همبستگی اجتماعی و روحیه جمعی
		۶	مراودات ضعیف فرهنگی و اجتماعی
		۷	میزان پایین همدلی و دوستی بین ساکنان
		۸	فقدان همگرایی و انسجام اجتماعی، بی‌ثباتی و روابط ضعیف
	سست شدن روابط اجتماعی	۱	نبود یا کمبود رسانه‌های مستقل و منتقد به عنوان نماینده افکار عمومی جامعه
		۲	رقابت‌های شخصی
		۳	تاکید بر منافع شخصی در بین مردم
		۴	تاکید بر منافع شخصی در بین مدیران دولتی و خصوصی

	نوگرایی	۱	عدم پذیرش شیوه های جدید
		۲	مقاومت و تقابل در برابر شیوه های جدید
		۳	مقاومت در مقابل تغییر
		۴	عدم پیش قدم در مقابل شیوه های جدید
		۵	تخریب مدیران توانمند بومی
ضعف سرمایه انسانی	تحصیلات	۱	پایینی نرخ باسوادی مردم استان نسبت به کشور و عدم توجه به وضع آموزش باکیفیت
		۲	خروج افراد تحصیلکرده و با سواد به خارج از استان به دلیل نبود امکانات
		۳	عدم تناسب مدرک تحصیلی مدیران و کارمندان اداری استان با شغل آن ها
	عدم نخبه گرایی	۱	عدم توجه به توانمندی های نخبگان
		۲	عدم استقبال از ایده های نو
		۳	عدم حمایت از خلاقیت ها و نوآوری ها
		۴	فقدان نظام شایسته سالاری بر حسب تخصص
		۵	کم رنگ شدن نقش و فعالیت نخبگان قومی
مهاجرت	مهاجرت تحصیلکردگان	۱	ابراز نارضایتی تحصیلکردگان از وضعیت نابرابر موجود
		۲	مهاجرت دانشجویان به مرکز و سایر کشورها
	شرایط نامساعد محیطی	۱	خشکسالی ها
		۲	بی آبی
		۳	تغییرات اکولوژیک
		۴	بسته شدن مرز
۵	نبود آب در تالاب بین المللی هامون		
۶	عدم امکان فعالیت های دامداری و کشاورزی پایدار در منطقه		
		۱	محروم بودن مناطق مرزی

	موقعیت اکولوژیکی	استفاده ضعیف و اندک از پتانسیل های مرزی مرزی و بن بست بودن منطقه مهاجرپذیر نبودن بخاطر فرصت های اشتغال و درآمدی محدود بودن درآمد ساکنان به کشاورزی	۲ ۳ ۴ ۵
چالش های قومی - مذهبی	ویژگی های هویتی و قومی	ضعف حافظه تاریخی کاهش عرق و روحیه ملی در بین افراد جامعه ارتباط فرهنگی ضعیف اختلافات بین اقوام مختلف در استان سنتگرایی تجدد ستیزی تقابل فرهنگ قومی با فرهنگ مدون و غالب و تسلط فرهنگ سنتی و قومی در استان پایبندی به تفکرات سنتی تعصبات بی جا نابرابری های شدید قومیتی حاکم بودن ارزش های قومی - مذهبی بر بوروکراسی	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
	ناسیونالیسم قومی - مذهبی	تنش های مذهبی بین شیعه و سنی تبعیض قومی مذهبی وجود شکاف مذهبی و تأکید حکومت بر شیعه بودن نظام تفاوت های مذهبی مرکز پیرامون در ایران شکاف های قومی - مذهبی میان قوم بلوچ با مرکز تداوم سیاست امنیتی دولت نسبت به قوم بلوچ عدم پایبندی به هویت ملی توسط قوم بلوچ به سبب افزایش محرومیت و تبعض در سطح استان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
	ضعف قانون گرایی	ضعف روحیه ی قانون گرایی شهروندان فقدان یا ضعف نهادهای مدنی پایمال شدن حقوق شهروندی	۱ ۲ ۳

		ترس از جرم و خشونت	۱
		بی‌نظمی اجتماعی	۲
		قاچاق مواد مخدر	۳
	فقدان امنیت	خشونت و آشوب اجتماعی	۴
		تجربه تبعیض	۵
		عدم امنیت شغلی و مالی	۶
		عدم امنیت روانی	۷
		درگیری طایفه ای	۸

بحث و نتیجه گیری

در سالهای اخیر، منتقدان به عملکرد آموزش عالی در کشور بر آن شده‌اند تا برخی عوامل مربوط به کاهش عملکرد آن را ریشه‌یابی کنند. یکی از عوامل مهم در حوزه عملکرد دانشگاه‌ها، نابرابری آموزشی است که منجر به کاهش کیفیت کاری افراد در جامعه، عدم رشد و توسعه علمی کشور، عدم شکوفایی استعدادها و در نهایت اتلاف منابع انسانی و مالی خواهد شد.

دیدگاه‌هایی که در این پژوهش به عنوان چارچوب نظری به کار گرفته شدند، از جمله دیدگاه نوسازی اجتماعی و به ویژه دیدگاه پارسنز، دیدگاه اسملسر، گیدنز و دیدگاه میجلی که به صورت مشخص به توسعه اجتماعی پرداخته است، به شناسایی ابعاد چهارگانه موانع توسعه و همچنین شناسایی برخی مؤلفه‌های درونی ابعاد یاد شده کمک کردند. به بیان دیگر، دیدگاه‌های یاد شده در زمینه توسعه اجتماعی بر مجموعه‌ای از شاخص‌ها به عنوان شاخص‌های توسعه به ویژه توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند و زمینه‌ها و موانع فراروی دست‌یابی به توسعه اجتماعی را برشمرده‌اند. در این دیدگاه‌ها زمینه‌ها و موانع توسعه در ابعاد نهادی و اجتماع‌محور چون اقتصادی، اجتماعی، مطرح شده است. بعدبندی این موانع هم راستا با خرده نظامهای اجتماعی در دیدگاه پارسنز است که هم تغییری را برای خرده نظام‌های گوناگون در جامعه مد نظر دارد. اولویت‌بندی ابعاد اصلی نشان داد که بر اساس ارزیابی نخبگان مهم‌ترین موانع توسعه یا همان عوامل توسعه‌نیافتگی در استان سیستان و بلوچستان به ترتیب شامل موانع اقتصادی، اجتماعی است.

با توجه به میانگین‌ها مهمترین عوامل اقتصادی توسعه نیافتگی در استان از منظر اعضاء هیأت علمی کشور عبارتند از: آسیب و فساد در حوزه اقتصادی استان، موانع سرمایه‌گذاری استان، توسعه نامتوازن، چالش‌های اشتغال و بیکاری، ضعف شبکه ارتباطی و حمل و نقلی، تبعیض اقتصادی.

چنین ویژگی‌هایی جامعه دانشگاهی استان را از فرصت توسعه اقتصادی باز می‌دارد و هزینه‌های پیاپی و در نتیجه تسلسل درماندگی اقتصادی را بر جامعه تحمیل می‌کند. یافته‌های تحقیق با دیدگاه میجلی و تانگ (۲۰۰۱) همخوانی دارد. در دیدگاه پارسنز، تزریق انرژی توسط خرده نظام اقتصادی انجام می‌شود و برای ایفای چنین نقشی باید هماهنگی درون بخشی و بین بخشی وجود داشته باشد و همان‌گونه که در متغیرهای الگویی تبیین شده است. دوری از گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های خاص گرایانه عاطفی و سنتی از پیش نیازهای اساسی برای کارکردپذیری همه خرده نظامها است. همان‌گونه که گیدنز در مدل خود برای دست‌یابی به یک جامعه رفاه، بر کاهش فقر و نابرابری دست‌یابی به رفاه عادلانه و فرصت‌های برابر اقتصادی تأکید کرده بود؛ دست‌یابی به توسعه اقتصادی بدون توجه به این شاخصها ممکن نیست. نتایج این مطالعه در زمینه موانع اقتصادی همخوانی نزدیکی با آموزه‌ها و شاخص‌های مطرح شده در نظریه گیدنز دارد. نتایج مطالعه درباره موانع اقتصادی با نتایج مطالعه میرفردی و همکاران (۱۳۹۸)، مطلق و گندمی (۱۳۹۶) که بر کیفیت زندگی و هم چنین وضعیت عدالت اقتصادی تأکید نموده؛ با نتایج مطالعه از کیا و همکاران (۱۳۹۳) و نتایج مطالعه عزیزی و سیدیان هاشمی (۱۳۹۵) همخوانی دارد و هم راستا با آنها بر نقش بازدارنده‌های اقتصادی در توسعه نیافتگی استان سیستان و بلوچستان تأکید می‌کند.

با توجه به میانگین‌ها مهم ترین عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی در سیستان و بلوچستان به ترتیب عبارتند از: عدم اعتماد نهادی، ضعف مشارکت اجتماعی، ضعف انسجام اجتماعی، سست شدن روابط اجتماعی، ضعف سرمایه انسانی، مهاجرت، چالش‌های قومی-مذهبی، فقدان امنیت و ضعف قانون‌گرایی، سطح پایین آموزش؛ رسانه‌های جمعی؛ مسایل اجتماعی؛ بهداشت و درمان؛ شرایط نسلی به بیان دیگر چالش‌های طبقاتی، تعاملات اجتماعی، سواد و آگاهی اجتماعی نوع نگاه به آموزش و تحصیلات در جامعه از مهم ترین موانع اجتماعی توسعه استان سیستان و بلوچستان هستند. مؤلفه‌های اجتماعی گسترده ترین مؤلفه‌ها در توسعه هستند و گستردگی آنها در بسیاری از موارد موجب بی توجهی به آنها و کارکردشان در جامعه می‌شود. با این وجود، در شکل‌گیری جامعه ای شهروند مدار و توسعه ای این مؤلفه‌ها نقش بی بدیلی ایفا می‌کنند و بروز کاستی و مشکل در آنها

زمینه توسعه نیافتگی را پدید می آورند. در دیدگاه گیدنز شاخص هایی چون آموزش، مشارکت اجتماعی، جامعه مدنی، بهداشت و درمان، اشتغال، عدالت در دسترسی به امکانات و فرصتهای گوناگون از اهمیت محوری برای رسیدن به جامعه رفاه و توسعه اجتماعی برخوردارند. در این پژوهش نیز نخبگان کاستیها و نابسامانی ها را در این حوزه ها، به عنوان موانع دستیابی به توسعه اجتماعی برشمرده اند. رویکرد نوسازی وجود آموزش کارآمد و رسانه های جمعی را از پیش زمینه های توسعه اجتماعی دانسته و در این پژوهش نیز کاستی در این زمینه ها به عنوان موانعی مهم برای توسعه اجتماعی شناخته شده است. بنابراین پیشنهاد می شود گسترش فرصت های آموزشی و تحصیلات عالی و همچنین افزایش سطح سواد در منطقه که موجب افزایش سطح آگاهی و همچنین ایجاد فرصت های شغلی در منطقه می شود، گسترش یابد. و همچنین پیشنهاد می شود با توجه به اینکه موانع اقتصادی توسعه از مهمترین موانع پیش روی استان می باشند، بنابراین لازم است دولت در زمینه زیرساخت های اقتصادی، سرمایه گذاری های کلان و نیمه کلان جهت ایجاد صرفه های حاصل از مقیاس و ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری در طرح های صنعتی و اشتغالزا، سیاستی مشخص و معین برای توسعه استان سیستان و بلوچستان داشته باشد. گسترش فرصت های آموزشی و تحصیلات تکمیلی و همچنین افزایش سطح سواد در منطقه که موجب افزایش سطح آگاهی و همچنین ایجاد فرصت های شغلی و کاهش بیکاری فارغ التحصیلان در منطقه می شود.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی. اسکندری ثانی. اسمعیل نژاد، مرتضی. (۱۳۸۹). کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری و منطقه ای در ایران، **جغرافیا و توسعه**، ۸(۱۷): ۲۸-۷.
- بهشتی، محمدباقر و نصرالهی وسطی، لیلا. (۱۳۹۵). تحلیل پویای نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه: رویکردی بین رشته ای، **فصلنامه علوم اجتماعی**، ۲۳ (۳): ۷۶-۵۴.
- زمانی، مهدی. (۱۴۰۰). **شناسایی و رتبه بندی عوامل اثرگذار بر توسعه نیافتگی بنگاه های کوچک و متوسط اقتصادی زود بازده با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی AHP**، پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات جهانی در علوم انسانی، مدیریت و کار آفرینی، تهران.
- خوهرسندی طاسکوه، علی. (۱۳۸۶). **نظام ارتباطی آموزشی در ایران: بررسی انتقادی رابطه بین آموزش متوسطه و آموزش عالی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سبحانی نژاد، مهدی. افشار، عبدالله. (۱۳۸۷). تبیین ماهیت و مؤلفه‌های کیفیت سنجی نظام آموزش عالی.

فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۲ (۴): ۸۱-۹۸.

کیانی، وحید و طاهری، محسن. (۱۴۰۰). واکاوی دلایل توسعه‌نیافتگی اقتصادی و تأثیر آن بر امنیت جنوب شرق ایران (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)، **پژوهش‌های جغرافیای سیاسی**، ۷ (۱): ۳۱-۱۹.

فتحی و اجارگاه، کوروش. پرداختچی، محمدحسن. ابوالقاسمی، محمود. محمد هادی، فریریز. (۱۳۸۰). تضمین کیفیت در آموزش بر مبنای مدل تحلیل اهمیت/ عملکرد. **فصلنامه راهبردهای آموزش**، ۱۲ (۳): ۴۱-۵۷.

میرفردی، اصغر. صادق‌نیا، آسیه. مرادی، رامین. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی موانع توسعه‌ی اجتماعی در ایران از دیدگاه اعضاء هیأت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی، **فصلنامه مطالعات اجتماعی و فرهنگی**، ۷ (۴): ۱۶۲-۱۳۱.

مهدی، رضا. (۱۳۹۰). **طراحی و تدوین مدلی جهت تضمین کیفیت آموزش مهندسی در بخش دولتی**. رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

معروفی، یحیی. کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۸). تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی. **نامه آموزش عالی**، ۲ (۲): ۳۷-۹.

یارقلی، بهبود. (۱۳۹۲). **تبیین فلسفه عدالت تربیتی بر مبنای واکاوی نظریه عدالت و اشاره‌های آن برای نظام آموزشی ایران**. رساله دکتری دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

Adda, H. D. (2017). Divergent Effect of Social capital on Economic Growth in East Asia and Latin America, **Sustainable Cities and Society**, 17 (2): 110-125.

Brighouse, H. (2014). **The place of Education Equality in Educational Justice** Routledge. London: London university press

Easterly, W. (2017). Inequality does cause underdevelopment. **Journal of Development Economics**, 84: 755-776.

Hartwell, R.H. (2020). **Assessing quality in higher education: a study of information management practice**. Submitted to the school of graduate and professional studies in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of education at Delaware Valley University.

Harvey, L., Williams, J., & Dill, D. (2012). **Quality in higher education**. Routledge Talor & Francis Group.

Li, L.w., Mahuteau, S., Dockery, A., & Junankar P.N. (2017). Equity in higher Education and graduate labour market outcomes in Australia. **Journal of Higher Education Policy and Management**, 13 (4): 77-89.

Olowo, F. (2018). **Transit Accessibility: Equity in Mobility for vulnerable population Groups: practices and Possibilities**. submitted in partial fulfillment of

the requirement for the degree of master of art in geography in the graduate school of Binghamton university state university state university of New York.

Patel, L., Noyoo, N., Du Preez, J., Triegaardt, J. (2015). **Department of Social Development: Capacity Building Program, Social Policy**, University of Johannesburg Department of Social Work.

Robertson, K.N. (2015). **Define equity and addressing the social determinants of equity in international development evaluation**. A dissertation submitted to the Graduate college in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy inter disciplinary PH. D in Evaluation Western Michigan university.

Rozario, S. (2019). **Higher Education in Bangladesh: An Inquiry into Educational Equity at Notre Dame University Bangladesh**. published by ProQuest LLC.

Xiao, Y., Chai, J., Wang, R., & Huang, H. (2022). Assessment and key factors of urban live ability in underdeveloped regions: A case study of the Loess Plateau, China. **Sustainable Cities and Society**, 79, 103674.

An analysis of the internal factors of educational inequality in the universities of Sistan and Baluchistan province

*Quarterly Journal of Educational Leadership
& Administration
Islamic Azad University Garmsar Branch
Vol.17, No 4, winter 2023, No.66*

An analysis of the internal factors of educational inequality in the universities of Sistan and Baluchistan province

Mohammad farogh regam, Esmaeil Shirali, Mostafa Azkia, Asemeh Ghasemi

Abstract:

Purpose: Today, the evaluation of the development of societies at the international level is based on the level of equality and justice in all aspects of life, such as gender, education and higher education, investment, social life, etc. The purpose of this research is to analyze the internal factors of educational inequality in the universities of Sistan and Baluchistan province.

Method: The current research is applied in terms of purpose and in terms of the nature and type of study, it is a data-based method. The population and statistical sample of this research are made up of 15 managers of executive bodies, faculty members of educational management, economics and sociology. Also, the sampling method was targeted sampling in the database method, and experts were invited for interviews after identification. In this research, information has been collected by two methods: documentary studies and interviews and coding (open, central and selective). In this way, explanatory codes were extracted by reviewing the interviews several times, and categories and themes were extracted by merging and combining similar codes and removing duplicate codes.

Findings: The results of the research showed that the most important internal economic factors of underdevelopment in the province from the perspective of the academic staff of the country are: damage and corruption in the economic sphere of the province, obstacles to investment in the province, unbalanced development, challenges of employment and unemployment. Graduates are the weakness of the communication and transportation network and educational discrimination. Also, the most important internal social factors of underdevelopment in Sistan and Baluchistan are the lack of trust in the educational system, weak social capital, weak human capital, emigration of elites, ethnic-religious challenges, lack of security and weak rule of law.

Conclusion: The expansion of educational opportunities and post-secondary education as well as increasing the level of literacy in the region will increase the level of awareness as well as create job opportunities and reduce the unemployment of graduates in Sistan and Baluchistan province.

Keywords: development, internal factors, educational inequality.